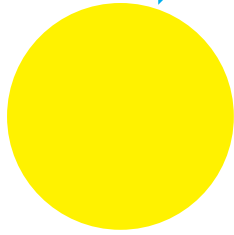


# ایران



• صاحب امتیاز:  
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:  
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:  
هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۱۷۲۰ • فکس: ۰۲۱-۸۸۷۶۱۷۵۴ • ارتباط مردمی: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۷۶۴۸۸۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۳ • روابط عمومی: ۰۲۱-۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشرکستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایژو ۹۰۱ از شرکت ۷۷، dN I: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۲۳

• پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی، مطبوعاتی ایران: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۲۳



امام علی (ع):

روزی را بچوبید، زیرا روزی برای جوینده آن ضمانت شده است.

سخن روز

الإرشاد، ج ۱، ص ۳۰۲



روایت «علی قمصری» از «نبض تار»

علی قمصری آهنگساز و نوازنده ایرانی با انتشار ویدئویی در صفحه مجازی اش از تازه ترین اثرش با عنوان «نبض تار» خبرداد و نوشت: «تا نابض موسیقی در این بوم می زند، به نیا یادآوری می کنیم که صدای تپش قلب ها از صدای اخبار بدقیو تر است. بعضی هادر روزگار جنگ، سلاح برمی دارند؛ من تارم را. اما تنها چیزی که هدف می گیرم، دل آدم هایی است که با تیر انسانیت دل را هدف قرار داده اند. «نبض تار»، تازه ترین اثر من، روایتی است از تپش های امروز به اصالت دبیروز. این قطعه، کوششی است تا ثابت کند هنر، حتی در میانه آشوب، از حرکت باز نمی ماند.» **ایران**



«صابر ایر» روی صحنه نمایش

پروژه «خون تبس»، سومین اپیزود از تریلوی «به صرف بوش و خون» است که پس از دو تک گویی از صابر ابرو الهام کردا، این بار با آهنگساز و نوازنده فقید موسیقی کلاسیک ایرانی رابهری همایون رحیمیان خوانندگی علیرضا فریدون پور، خرداد در تالار وحدت برگزار می شود. بابک شهرکی، نوازنده و آهنگساز شناخته شده موسیقی ایران نیز در این کنسرت به عنوان تکنواز (سولپست) ویولن، ارکستر موسیقی ملی ایران را همراهی می کند. «از دیار نغمه خوانی» تلاشی است برای ادای احترام به یکی از تأثیرگذارترین چهره های موسیقی کلاسیک ایرانی. **ایران**



جاودانه های «تجویدی» در تالار وحدت

تازه ترین کنسرت ارکستر موسیقی ملی ایران با عنوان «از دیار نغمه خوانی» مشتمل بر اجرای آثار جاودانه زنده یاد علی تجویدی آهنگساز و نوازنده فقید موسیقی کلاسیک ایرانی رابهری همایون رحیمیان خوانندگی علیرضا فریدون پور، خرداد در تالار وحدت برگزار می شود. بابک شهرکی، نوازنده و آهنگساز شناخته شده موسیقی ایران نیز در این کنسرت به عنوان تکنواز (سولپست) ویولن، ارکستر موسیقی ملی ایران را همراهی می کند. «از دیار نغمه خوانی» تلاشی است برای ادای احترام به یکی از تأثیرگذارترین چهره های موسیقی کلاسیک ایرانی. **ایران**



هنرمندان برخاسته از جامعه فرهیخته ایران هستند

یکی از ویژگی های بحران هارویدادهای سخت نظیر جنگ، تقویت انسجام ملی است. در این برهه جنگ تعمیلی سوم، هنرمندان ما به طرق مختلف همراه همدل بودند و نسبت به اتفاقات واکنش نشان دادند. باید درک کنیم و بدانیم که هنرمندان ما هم از همین جامعه هستند و به درستی در بزنگاه های تاریخی واکنش نشان می دهند. رویداد «حضور غیاب» که چند شب شاهد اجرای آن بودیم بیانگر این است که هنرمندان ما به درستی نقش خودشان را ایفا می کنند و نشان می دهند که برخاسته از جامعه فرهیخته ایران هستند و به همین جامعه، حس و خدمتشان را برمی گردانند. در این زمینه دولت مانند همیشه، نگاهش این است که باید با رویکرد دکتر پزشکیان، یعنی رویکرد فراقی حرکت کنیم؛ وفاقی که توانسته کلان مسأله های کشور را حل کند. ما با همین رویکرد حرکت می کنیم. الان هم نگاهمان همین است و طبیعتاً از هنرمندان عزیزمان قدر دانی می کنیم.

گزیده ای از صحبت های فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در حاشیه آخرین شب برنامه «حضور غیاب» در خانه هنرمندان / ایسنا



نقل قول



امروز با هزینه های هنگفت در حال ساختن اسطوره ها و روایت های تاریخی برای خود هستند؛ گاه بر پایه واقعیت و گاه بر پایه افسانه. در چنین شرایطی، ایران با هزاران سال تاریخ مکتوب، ده ها شخصیت اثرگذار جهانی و منابع غنی ادبی و تاریخی، همچنان بخش مهمی از ظرفیت های خود را بدون استفاده رها کرده است.

موفقیت احتمالی «سلمان فارسی» می تواند آغاز فصل تازه ای باشد؛ فصلی که در آن مدیران فرهنگی و هنری کشور بیش از گذشته به روایت تاریخ و تمدن ایران توجه کنند. همان گونه که میرباقری با سلمان فارسی به یکی از نقاط مشترک ایران و اسلام پرداخته است، شاید زمان آن رسیده باشد که پروژه هایی درباره کوروش کبیر، که پروژه هایی درباره کوروش کبیر، فارسی، آرش، ابن سینا، خواجه نصیر، نادرشاه یا دیگر شخصیت های بزرگ این سرزمین نیز از مرحله آرزو عبور کنند.

امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت به اصل خویش هستیم؛ به ریشه ها، به حافظه تاریخی و به قهرمانانی که می توانند میان گذشته و آینده پلی استوار بسازند. در چنین شرایطی، داوود میرباقری و پروژه «سلمان فارسی» فقط یک سریال تلویزیونی نیستند؛ آنها بخشی از تلاشی بزرگ برای یادآوری این حقیقت اند که هیچ ملتی بدون شناخت گذشته خود، نمی تواند آینده ای روشن برای خویش بسازد.



عکس: خبرگزاری مهر

برای ساخت فیلمی درباره کوروش کبیر تلاش کرد و بارها از علاقه خود برای تولید این پروژه به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی سخن گفت. پروژه ای که هرگز به سرانجام نرسید، اما همچنان یکی از مهم ترین خلأ های سینمای تاریخی ایران محسوب می شود.

فارسی، امیرکبیر، فردوسی، کوروش بزرگ، یعقوب لیث یا دیگر چهره های تأثیرگذار تاریخ ایران، دیگر صرفاً یک پروژه فرهنگی نیست؛ بخشی از یک ضرورت ملی است.

قهرمانان واقعی اهمیت دوچندان پیدا می کنند. ملت ها در روزهای دشوار معمولاً به حافظه تاریخی خود رجوع می کنند. به قهرمانان خود، به ریشه های خود و به نقاط مشترکی که می توانند میان نسل ها و سلاطین مختلف پیوند ایجاد کنند. در چنین شرایطی، ساخت آثاری درباره شخصیت هایی چون سلمان

پخش سریال «سلمان فارسی» داوود میرباقری از پاییز امسال آغاز می شود

## روایتی تصویری از هویت یک ملت

یادداشت

علی نعیمی

منتقد سینما

چند روز پیش، تقریباً همزمان با تولد داوود میرباقری خرمکد که پخش سریال «سلمان فارسی» از پاییز امسال آغاز می شود. البته او این روزها همچنان مشغول ساخت این پروژه عظیم است؛ مجموعه ای که نه تنها بزرگ ترین پروژه سریال سازی تاریخ تلویزیون ایران به شمار می رود، بلکه می تواند یکی از مهم ترین آثار هویتی و تاریخی سال های اخیر نیز باشد.

واقعیت این است که نام داوود میرباقری برای مخاطب ایرانی تنها یادآور یک کارگردان موفق نیست. او در طول سه دهه گذشته توانسته با خلق آثاری همچون «امام علی (ع)»، «مسافری»، «مختارنامه» و اکنون «سلمان فارسی»، گونه ای از روایت تاریخی را در تلویزیون ایران تثبیت کند که در آن تاریخ صرفاً یک بازسازی تصویری نیست، بلکه

بستری برای بازخوانی هویت و حافظه جمعی ایرانیان است.

اما آنچه این سریال را واجد اهمیت تاریخی بیشتری می کند تاریخ معاصر و در واقع برهه حساس کنونی است؛ در روزگاری که ایران ما بیش از هر زمان دیگری بر مفهوم هویت ملی، حافظه تاریخی و روایت تمدنی تکیه کرده است. لذا پرداختن به شخصیت هایی چون سلمان فارسی اهمیتی فراتر از یک پروژه نمایشی پیدا می کند. سلمان، اولین مسلمان ایرانی و از نزدیک ترین یاران پیامبر اسلام (ص)، شخصیتی است که در وجود او دو مؤلفه مهم تاریخ ایران و اسلام به هم گره می خورند. او نماد ایرانی ای است که نه در حاشیه تاریخ، بلکه در متن یکی از مهم ترین تحولات تمدنی جهان حضور داشته است.

شاید یکی از مهم ترین ویژگی های نگاه میرباقری در آثار تاریخی اش همین توجه به نقش ایرانیان در تاریخ اسلام باشد. نگاهی که پیش تر نیز در «مختارنامه» به شکلی آشکار دیده می شد. در آن مجموعه، شخصیت کیان ایرانی با همان کیسان ابو عمره، صرفاً یک فرمانده نظامی نبود؛ او نماد حضور و تأثیرگذاری

ایرانیانی بود که در قیام مختار ثقفی و خونخواهی امام حسین (ع) نقشی اساسی ایفا کردند.

کیان در مختارنامه یکی از محبوب ترین شخصیت های سریال شد، زیرا مخاطب ایرانی در او بخشی از هویت تاریخی خود را بازمی یافت. شخصیتی که نشان می داد پیوند ایران و اسلام نه یک پیوند تحمیلی و بیرونی، بلکه رابطه ای تاریخی، عمیق و ریشه دار است. میرباقری به خوبی فهمیده بود که روایت تاریخ زمانی تأثیرگذار می شود که مخاطب بتواند خود را در آن ببیند و سهم خود را در آن بازناسد.

از همین منظر، «سلمان فارسی» نیز صرفاً روایت زندگی یک صحابه بزرگ پیامبر نیست. این سریال می تواند بازخوانی سهم ایرانیان در شکل گیری تمدن اسلامی و یادآوری جایگاه تاریخی مردمانی باشد که قرن ها در ساخت فرهنگ و تمدن این منطقه نقش آفرینی کرده اند.

امروز که جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازسازی سرمایه اجتماعی و تقویت حس تعلق و همبستگی ملی است، بازگشت به شخصیت های تاریخی

نگاهی به نمایش «یحتمل بهترین بازیگر نقش اول زن»

## زنی که آمدنش خوب و رفتنش بد بود



نقد

حسین چینی

منتقد تئاتر

متن نمایش در بخش زبان به اندازه فرم اجرایی آن پیش نمی رود. وقتی اثری تا این اندازه به ادبیات تعلیمی فارسی نزدیک می شود و از آن الهام می گیرد، طبیعی است که انتظار داشته باشیم در سطح زبان هم دست به ماجراجویی بیشتری بزنند. منظور از این انتظار، استفاده از واژگان ثقیل یا فخامت تصنیفی و اینها نیست. منظور، خلق زبانی است که بتواند حداقل همپای ایده مرکزی اثر حرکت کند. در برخی بخش ها، دامنه واژگان محدود می ماند و همین مسأله باعث می شود بعضی شوخی ها زودتر از آنکه باید مصرف شوند. پس اجراء در ناگهان اعتمادش را به طنز از دست داده است که بخش عمده ای از مسیروش را با هوشمندی و ظرافت و جسارت طی می کند، اما چقدر حیف که درست در چند قدمی خط پایان، از ریسک نهایی صرف نظر می کند. انکار در آخرین لحظه جرات نکرده است تا انتهای شوخی خودش پیش برود.

نمایش «یحتمل بهترین بازیگر نقش اول زن» به کارگردانی حسین امینی از ۱۷ اردیبهشت اجرای خود را در سالن اصلی تالار مولوی آغاز کرده و همچنان هر شب ساعت ۱۹ میزبان مخاطبان است. **عنوان مطلب برگرفته از مصرعی از حسین منروی است.**

نمایشش با معرض سقوط به سراسیمگی آشوبی کارتنی قرار دارد. به ویژه زمانی که یک اثر سورئال همچو اینچنینی می رود، کافی است انسجام صحنه ای خود را در آتی از دست بدهد تا به کلکسیونی از شوخی های پرانگنده و اکت های نامرتبط تبدیل شود. اما «یحتمل بهترین بازیگر نقش اول زن»، خوب می تواند از این دام بگریزد.

اوج اثرنری تردید در بخش نمایش در نمایش رقم می خورد. زمانی که اجرا ناگهان چندلایه می شود و امکان های تازه ای پیش روی خودش می گشاید و همچنین فاصله گذاری هوشمندانه ای شکل می گیرد. حالا موضوع خنده، خود شوخی های پرانگنده و اکت های نامرتبط تبدیل شود. اما «یحتمل بهترین بازیگر نقش اول زن»، خوب می تواند از این دام بگریزد.

نشان می دهد که قصد ندارد با ترفند های آسان مخاطبش را بخنداند. نمایش می شود. در مرکز روایت، شخصیت هایی قرار دارند که هر کدام به شکلی درگیر گذشته اند. گذشته در «بدنام» نه تنها یک خاطره یا پیشینه روایی نیست، بلکه نیرویی زنده و تأثیرگذار است که مدام در زمان حال خالت می کند. شخصیت ها تلاش می کنند از اشتباهات، زخم ها و ناکامی های گذشته عبور کنند، اما هرچه بیشتر برای فرار از آن می کوشند، بیشتر در دام آن گرفتار می شوند. موقعیت لعلیا زنگنه و شیوه بازی او را باید در نسبت با این فضا لحاظ و تحلیل کرد. اهمیت این نقش بیش از آنکه به گستردگی حضور آن در داستان مربوط باشد، به شکستن انتظارات مخاطب از لعلیا زنگنه بازمی گردد. او در «بدنام» نشان می دهد که همچنان توانایی تجربه نقش هایی خارج از محدوده های آشنای گذشته را دارد؛ نقش هایی که بر پیچیدگی های روانی، استقلال فردی و قدرت درونی شخصیت استوارند. شاید «بدنام» را بتوان نقطه ای مهم در مسیر کارگردانی زنگنه دانست؛ اثری که یادآوری می کند یک بازیگر با سابقه هنوز می تواند مخاطب را غافلگیر کند و از قاب های تثبیت شده ذهنی فراتر برود. حد به نقطه شکست در دل داستان، بلکه نمادی از تلاش یکی از بازیگر برای بازتعریف جایگاه خود در ذهن مخاطب است.



یکی از

مهم ترین

وجوه

جاذبیت

نقش هدیه

در «بدنام»

فاصله

معنادار آن

با تصویری

است که

بسیاری از

مخاطبان از

لعلیا زنگنه در

ذهن دارند؛

تصویری

که هیچ یک از

حضور او

در سریال

«در پناه تو»

شکل گرفت

و تثبیت شد

به بهانه حضور متفاوت لعلیا زنگنه در سریال «بدنام»

## چرخش بازیگرانه؛ از مریم تا هدیه

یادداشت

رضاصافی

دبیر گروه فرهنگی

اگرچه آخرین حضور لعلیا زنگنه در یک سریال به دو سال پیش سریال «بزدان» به کارگردانی منوچهر هادی برمی گردد اما هنوز در خاطره بصری اغلب مخاطبان، شمایل او در نقش «مریم افشار» سریال «در پناه تو» ثبت شده و به یاد می آید. تصویری که این روزها با نقش آفرینی متفاوت او در سریال «بدنام» با درگیر به حافظه جمعی احضار شده که علت آن را می توان در تجربه نوعی ساختار شکنی در جنس بازی لعلیا زنگنه دانست.

یکی از مهم ترین وجوه جذابیت نقش هدیه در «بدنام»، فاصله معنادار آن با تصویری است که بسیاری از مخاطبان از لعلیا زنگنه در ذهن دارند: تصویری که بیش از هر چیزی با حضور او در سریال «در پناه تو» شکل گرفت و تثبیت شد. زنگنه در آن مجموعه، نماد زنی آرام، احساساتی و پایبند به ارزش های سنتی بود؛ شخصیتی که بخش مهمی از محبوبیتش را مدیون همین ویژگی های بود. اما هدیه در «بدنام» در نقطه ای متفاوت قرار می گیرد. او زنی مستقل، پیچیده، رازآلود و تا حدی غیرقابل پیش بینی است که تصمیم هایش بیش از آنکه از احساسات سرچشمه بگیرد، بر پایه تجربه، عقلانیت و مصلحت اندیشی شکل می گیرد. از این بازپرسی لعلیا زنگنه دانست؛ تلاشی برای عبور از کلیشه ای که سال ها با آن شناخته شده و ارائه تصویری تازه از توانایی هایش به مخاطب. همین فاصله گرفتن از نقش های آشنا، به هدیه هویتی متمایز بخشید و حضور زنگنه در «بدنام» را به یکی از متفاوت ترین تجربه های سال های اخیر او تبدیل کرده است. یکی از چالش های مهم بازیگران با سابقه، راهی از تصویری است که طی سال ها در ذهن مخاطب شکل گرفته است. تصویری که گاهی آن قدر تثبیت می شود که حتی پیش از

